



فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال چهاردهم، شماره ۴۵، زمستان ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۶۱-۳۳

الگوهای گفتمانی بین قضات و متهمان در دادگاه‌های کیفری^۱

فرنگیس عباس زاده^۲، بهمن گرجیان^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰

چکیده

هدف این پژوهش، کاربرد الگوهای گفتمانی مک منامین (McMenamin, 2002) - الگوهای تجویزی، توصیفی و آماری - برای بررسی انحراف از معیارهای گفتمانی مابین قضات و متهمان در دادگاه کیفری بود. داده‌های پژوهش، به روش نمونه‌گیری تصادفی منظم گردآوری شدند. این داده‌ها، مشتمل بر ۲۷ فایل کوتاه تصویری پنج دقیقه‌ای بودند که از بین ۵۴ پرونده کیفری قتل، درگیری، کلاهبرداری، جعل امضا، دزدی، و تجاوز به عنف انتخاب شده و از رسانه صدا و سیما و در برنامه ۲۰:۳۰ پخش شده بودند. سپس، داده‌های مورد اشاره به صورت نوشتاری درآمدند. همه جمله‌های قضات و متهمان از نظر فراوانی رعایت، تغییر و انحراف در کلام معیار از منظر الگوهای تجویزی، توصیفی و آماری شمارش و دسته‌بندی شدند. در پایان، روشن شد که انحراف از این الگوها، نقش تعیین‌کننده‌ای در ارزیابی عملکرد این دو گروه بر عهده دارد. تجزیه و تحلیل آماری نشان داد گفتمان قضات و متهمان از نظر تغییر در زبان معیار تفاوت معناداری با هم دارند. ولی در رعایت زبان معیار و انحراف از آن در معیارهای تجویزی، توصیفی و آماری بین گفتمان قضات و متهمان اختلاف معناداری مشاهده نشد. یافته‌ها نشان داد که قضات و متهمان روابط قدرت را در گفتمان‌های خود به کار برده‌اند تا هویت خود را نشان دهند،

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2021.34893.1987

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.20088833.1401.14.45.2.6

^۲ دانش‌آموخته دکترا، گروه زبان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران؛
farangisabbaszadeh@gmail.com

^۳ دانشیار آموزش زبان انگلیسی، گروه زبان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران (نویسنده مسئول)؛
b.gorjian@iaubadan.ac.ir

ولی قضات از نشانگرهای بیشتر قدرت مانند تحکم، صدای بلند و حرکات دست و صورت بیش از متهم‌ها سود جست‌ه‌اند.

واژه‌های کلیدی: زبان‌شناسی حقوقی، دادگاه، الگوهای گفتمانی

۱. مقدمه

زبان‌شناسی حقوقی یا قضایی^۱ شاخه‌ای از زبان‌شناسی کاربردی^۲ است که به بررسی و تجزیه و تحلیل گفتمان دادگاه و متن‌های حقوقی می‌پردازد. این رشته به زیرشاخه‌هایی همچون تجزیه و تحلیل گفتمان حقوقی^۳ و منظورشناسی زبان^۴ گروه‌بندی می‌شود (van Dijk, 1993). زبان‌شناسی حقوقی، به بررسی متن‌های نوشتاری یا فایل‌های صوتی می‌پردازد که ژانر^۵ یا نوع ادبی خاصی را به وجود آورده که دو ویژگی اصلی دارد. به بیانی، زبان‌شناسی حقوقی ساختار ویژه خود را دارد. بر مبنای ویژگی نخست، جمله از جنبه دستوری باید کامل و روشن باشد. جمله‌های غیر دستوری یا بدساخت در تفهیم اتهام مشکل‌ساز هستند. برای نمونه، قاضی می‌گوید «کیفرخواستی علیه شما مبنی بر کلاهبرداری توسط خواهان آقای فلان درخواست شده و شما متهم به جعل امضا شده‌اید. آیا دفاعی از خود دارید؟» این جمله‌ها ساختار و واژگان ویژه متون حقوقی را دارند و در متن‌های ورزشی یا اقتصادی و موارد مشابه یافت نمی‌شوند (Nowrouzi, 2007). ویژگی دوم در بررسی این ژانر ویژه، سبک ادبی آن است. شیوه بیان رسمی و استاندارد است و کلام معیار در آن به کار می‌رود. از سوی دیگر، باید روشن و قابل فهم باشد تا معنای آشکار آن موجب سردرگمی متهم و افراد حاضر در دادگاه نگردد (Habibi, 1995). همچنین، سبک این ژانر، رسمی بوده و از جمله‌های غیر رسمی پرهیز می‌شود. بنابراین، بررسی این گونه ادبی نیاز به آگاهی حقوقی و شیوه‌های بیان در دادگاه با مخاطب ویژه خود است. چه بسا سخن گفتن با نماینده دادستان با محاوره با قاضی یا وکیل تفاوت دارد.

زبان‌شناس حقوقی در همه مرحله‌های دادگاه از قبیل تشکیل پرونده، بازپرسی و گردآوری مستندات تا روند دادرسی و فراهم آوردن شاهدها می‌تواند در کنار قاضی به عنوان یک دست‌یار و مشاور عمل کند (Mohseni & Rezaei Nezhad, 2012). در شیوه بیان قاضی و متهم برخورداری از الگوهای معیار همیشه امکان‌پذیر نیست و گاهی تغییرات و انحرافات از کلام معیار در روند دادرسی تأثیرگذار است (Coulthard & Johnson, 2007; Elsan &)

¹ forensic linguistics

² applied linguistics

³ forensic discourse

⁴ pragmatics

⁵ genre

(Manouchehri, 2018). یکی از نظریه‌های مطرح در بررسی گفتمان دادگاه‌ها، الگوهای گفتمانی مک منامین (McMenamin, 2002) است که شامل سه معیار تجویزی، توصیفی و آماری است که به تحلیل گفتمان دادگاه می‌پردازد. این الگوها، گفتمان حقوقی را با الگوهای دستوری رایج، سازگار ساخته و اگر از جنبه دستوری و اجتماعی قابل قبول باشد، پذیرفته می‌شود. الگوهای توصیفی یا سبکی، معیارهایی را ارائه می‌دهند که گفتمان دادگاه را از نظر سبکی، تنوع زبانی و موقعیتی با معیارهای رایج مقایسه کرده و آن‌ها را ارزیابی می‌کند. الگوهای آماری، فراوانی گفتمان در دادگاه را بررسی می‌کند و از جنبه آماری میزان کاربردی بودن جمله‌ها را در محیط دادگاه نشان می‌دهد. پیش‌فرض‌هایی در پیوند با فراوانی مورد انتظار از دیدگاه مک منامین (همان) ارائه شده‌است که می‌تواند دامنه کاربرد این الگوی گفتمانی را در دادگاه نشان دهد. انحراف و خروج از دامنه فراوانی این الگو ممکن است در تفهیم موضوع دادگاه بسیار موثر باشد. هر یک از این سه الگوهای گفتمانی دارای سه سطح رعایت کلام معیار، تغییر در کلام معیار و انحراف از کلام معیار هستند. رعایت کلام معیار مابین جمله‌هایی است که مورد انتظار اغلب جامعه دادگاهی است. برای نمونه، از قاضی انتظار می‌رود آشکار، روشن و با جمله دستوری و خوش ساخت تفهیم اتهام کند. مانند: «آقای ب- شما متهم به سرقت جواهر از منزل خانم پ-ن هستید. آیا این اتهام را قبول دارید؟». این جمله با تغییر در کلام معیار می‌تواند بیان شود و تفهیم هم انجام پذیرد ولی الگوهای تجویزی، توصیفی و آماری آن مورد خدشه قرار گرفته و ممکن است تا اندازه‌ای پذیرفته شود اما نفوذ کلام قاضی را کاهش می‌دهد. برای نمونه، «شما قبول داری که جواهر خانم پ-ن را دزدیده‌اید؟». در سطح انحراف در کلام معیار قاضی کاملاً منحرف شده‌است. به گونه‌ای که یا کلام قابل فهم نیست یا در اندازه فراوانی آماری آن قدر پائین است که کاربرد مؤثری ندارد. مانند: «هی کلاغ دزده، مردمو لخت می‌کنی؟» جمله پایانی معمولاً از قاضی انتظار نمی‌رود و انحراف از معیار گفتمانی در بیان قاضی کاملاً آشکار است.

در این پژوهش، شناسایی این تغییرات و انحرافات از الگوهای گفتمان مک منامین (McMenamin, 2002) از جنبه رعایت کلام معیار در سبک‌های گفتمانی تجویزی مانند «قاضی: کیفرخواست صادره علیه جناب عالی مبنی بر قتل آقای فلان است. از خود چه دفاعی دارید؟» این سبک تجویزی است و دارای ساختار دستوری با سبک توصیفی رسمی است. یا «قاضی می‌گوید: تو متهم به قتل فلانی هستی. از خود چه دفاعی داری؟» این ساختار دستوری با تغییر در کلام معیار و با سبک توصیفی غیر رسمی است. از دیدگاه انحراف در کلام معیار قاضی می‌گوید: «مگر متهم نیستی طرف رو سر به نیست کردی؟ خوبال». در این جا سبک غیر رسمی و انحراف در الگوی گفتمان تجویزی، توصیفی و آماری است. از جنبه آماری کمترین فراوانی را دارد. زیرا بیان این جمله به وسیله قاضی پائین تر از پنج درصد است. یعنی نوعی انحراف در

الگوهای گفتمانی تجویزی (ساختار نامناسب) یا توصیفی (سبک کوچه بازاری و غیر رسمی) با فراوانی کم و نادر به شمار می‌آید. در این سه نمونه، فردی که به دزدی خودرو متهم شده‌است، ممکن است سه جمله بگوید که با سه الگوی بالا از جنبه الگوهای گفتمانی با قاضی هم‌خوانی دارد. متهم می‌گوید: «من اتوموبیل او را سرقت نکردم» (ساختار مناسب از جنبه الگوی تجویزی با رعایت کلام معیار و الگوی توصیفی سبک رسمی)، «ماشینش را ندزدیدیم» (تغییر در کلام معیار از جنبه الگوی تجویزی با ساختار تغییر یافته ولی مفهوم است). این جمله با کاربرد فعل جمع برای فاعل مفرد و از دیدگاه الگوی توصیفی سبک غیر رسمی است. یا اینکه وی می‌گوید: «ها لگنش نبود مالی» (ساختار تجویزی نامناسب با انحراف در کاربرد فاعل و مفعول و از دیدگاه توصیفی غیر رسمی است).

۲. پیشینه پژوهش

«گفتمان»، مجموعه جمله‌هایی است که در یک بافت اجتماعی بیان شده و با نقش تعاملی و ارتباطی خود منبع قدرت به شمار می‌آیند. کلتارد و جانسون (Coulthard & Johnson, 2010) معتقدند که بافت گفتمان، یک مقوله پویا^۱ است و از جنبه اجتماعی به وسیله گفتمان (ابزارهای کلامی و غیر کلامی) به وجود می‌آید. وایت و هینز (White & Hines, 2013). بر این باورند که کلید کنترل افراد و اعمال قدرت بر آنان، در گویشورانی است که ابزارهای کلامی را در اختیار دارند. این امر با شکل گرفتن قدرت اجتماعی یا سیاسی در افراد ایجاد می‌شود. فر کلاف (Fairclough, 1992) می‌نویسد در جهان واقع، بافت‌ها^۲ کم و بیش از ادغام انواع گفتمان^۳ و شرح و توصیف آن‌ها ساخته شده‌اند. بنابراین یک تحلیل میان‌متنی^۴، حلقه واسط زبان و بافت اجتماعی است و کاستی موجود میان متن‌ها و بافت‌ها را به شایستگی پر می‌کند.

از دید گروت (Groot, 2003)، زبان حقوقی^۵ علمی است که ناظر بر عملکرد همه شاخه‌های زبان‌شناسی از قبیل آواشناسی^۶ در تشخیص هویت^۷، فنون نگارش متون حقوقی، معناشناسی^۸ و تجزیه و تحلیل کلام^۹ در محاکم قضایی است. حوزه کاربردی پژوهش‌های زبان‌شناسی حقوقی از یک سو دانش زبان‌شناختی و از سوی دیگر نیازهای مجامع حقوقی همچون دادگاه‌ها را شامل می‌شود. هله (Hale, 2004) بر این باور است که گفتمان دادگاه بر شواهد

¹ dynamic

² contexts

³ consolidation of discourse varieties

⁴ analysis of intertextuality

⁵ legal language

⁶ acoustic phonetics

⁷ authorization

⁸ semantics

⁹ discursive analysis

کلامی استوار است که به شکل پرسش و پاسخ نمود می‌یابد؛ به این معنا که نقش کاربردشناختی پرسش‌های وکیل مدافع برتری خاصی دارد که با توجه به خواسته‌ها و هدف‌های نهفته در آن‌ها متفاوت هستند. ماهیت و ساختار پرسش و پاسخ در تعامل‌های وکیل مدافع-شاهد، وکیل مدافع-متهم منبع پژوهشی قوی برای پژوهش پیرامون کاربرد راهبردی زبان است. وکیل‌ها به خوبی می‌دانند که نوع بهره‌گیری از واژگان است که تأثیر حقوقی ویژه‌ای می‌گذارد تا بهتر بتوانند در جلسه‌های محاکمه، گفت‌وگو را به نفع موکل خود پیش ببرند.

گیبونز (Gibbons, 2003)، جرم‌زبانی را بیان کارگفت غیر قانونی می‌داند که نوعی کنش منظوری در آن‌ها انجام می‌گیرد. برای نمونه، رشوه دادن، رشوه گرفتن، ایجاد ترس، زورگیری، توهین، واداشتن فرد به جرم‌زبانی و مانند آن بخشی از معنای پاره‌گفتار کارکردی است و هدف آن و ارتباط برقرار کردن با زبان فراتر از دانش دستوری، واژگانی و معنایی است.

آفاگل‌زاده (Aghagolzadeh, 2013) به این نکته اشاره دارد که در گفتمان حقوقی^۱، قدرت و شأن اجتماعی کنشگران در جایگاه فرادست (مانند قاضی) و فرودست (مانند متهم^۲ یا خواننده) در هدایت و شکل‌دهی گفتمان دادگاه و بازجویی‌ها در مراکز پلیس، نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. از نگاه تحلیل گفتمان انتقادی، تحلیل گفتمان حقوقی باید به نقش و چگونگی به کارگیری شاخص‌های زبان قدرت به وسیله شرکت‌کنندگان در کلام توجه ویژه‌ای داشته باشد (Momeni, 2011). از دید آفاگل‌زاده (Aghagolzadeh, 2012)، یکی از وظایف بسیار مهم تحلیل گفتمان، تبیین روابط میان گفتمان و قدرت اجتماعی است. قدرت اجتماعی، بر مبنای کنترل اعمال‌شده از سوی یک گروه، سازمان یا اعضای آن تعریف می‌شود. در نتیجه از آزادی عمل دیگران می‌کاهد یا دانش و نگرش آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ممکن است این پرسش به وجود آید که چه کسی می‌تواند در هنگام گفت‌وگو یا توالی‌های گفتمانی نوبت خود را آغاز و یا نوبت دیگران را گسسته کند؛ زیرا افراد دسترسی متفاوتی به موضوع‌ها، سبک یا فن دارند؛ برای نمونه، ممکن است در دادگاه از متهم‌ها خواسته شود تا به زبان معیار سخن گویند، فقط در مورد موضوع مورد بحث سخن بگویند و از سبکی احترام‌آمیز و مؤدبانه بهره گیرند.

جایگاه و سلسله مراتب افراد در جوامع، مبنای روابط اجتماعی قرار می‌گیرد و نقش و جایگاه اجتماعی، عاملی اجتماعی در دگرگونی‌های زبانی و رفتار کلامی به شمار می‌آید. گیبونز (Gibbons, 2003)، شاخص‌های زبان‌شناختی قدرت را در گفتمان دادگاه به این شرح بر می‌شمارد: افرادی که از اقتدار بالایی برخوردارند، کلامشان دارای مشخصه‌هایی همچون بلندی

¹ forensic discourse

² defendant or plaintiff

صدا، تغییرات در بلندی صدا، بالا بودن زیربمی صدا، تکرار، قطع سخن^۱، تسلط^۲ است؛ و کسانی که از قدرت پائینی برخوردارند، کلامشان دارای ویژگی‌هایی مانند بهره‌گیری از پاره‌گفته‌های احتیاط‌آمیز، تردید و تأمل^۳، کاربرد پاره‌گفته‌هایی مانند قربان و جناب، استفاده از واژه‌های تشدیدکننده و موارد مشابه است. چنین شاخص‌هایی در دادگاه و برای پلیس بسیار مهم و ضروری هستند.

یافته‌های افشار (Afshar, 2008) از بررسی نقش زبان‌شناسی حقوقی در پژوهش‌های جنایی نمایانگر آن بود که تحلیل زبان‌شناختی مکاتبه‌ها و اسناد، صداهای ضبط‌شده و دست‌نوشته‌های به‌جامانده از متهم‌ها، نقش مؤثری در کشف حقیقت در فرایند دادرسی کیفری دارد. گسترش پژوهش‌های زبان‌شناسی قانونی به عنوان یک رشته مستقل دانشگاهی و تأسیس آزمایشگاه‌ها و واحدهای زبان‌شناسی جنایی نقش حوزه زبان‌شناسی حقوقی را در پژوهش‌های جنایی و کیفری پررنگ‌تر می‌کند. با گسترش پژوهش‌های زبان‌شناسی قانونی، بررسی متغیرهایی همچون سن، جنسیت، منطقه جغرافیایی، طبقه اجتماعی، قومیت و وضعیت مالی بر یافته‌های کلامی و غیر کلامی امکان‌پذیر می‌گردد. امروزه از دیدگاه‌های کارشناسان این رشته در زمینه تحلیل دلیل‌های زبانی در پرونده‌های قضایی بهره‌می‌گیرند.

صبری و همکاران (Sabri, Estaji & Eliassy, 2018) پژوهشی پیرامون تحلیل گفتمان پلیس-متهم در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی حقوقی انجام دادند. هدف اصلی پژوهش آن‌ها، شناخت و بررسی ساختار و محتوای گفتمان پلیس-متهم در بافت قضایی ایران با الهام از الگوی پیشنهادی کلتارد و جانسون (Coulthard & Johnson, 2007) بود که برای دست‌یابی به این هدف، پانزده رخداد بازجویی فارسی‌زبانان از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی حقوقی را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌های پیکره پژوهش نمایانگر آن بود که گفتمان پلیس-متهم ساختاری هدف-محور در بافت قضایی دارد. روند اجرایی بازجویی و اهداف مشارکت‌کنندگان (بازجویان و متهمان)، بر شیوه برقراری تعامل‌های زبانی و چگونگی طراحی جمله‌ها تأثیرگذار است. در این نوع گفتمان، بازجویان از ساخت صوری زبان در خدمت نقش‌های اجتماعی زبان، برای رسیدن به هدف‌های قضایی بهره‌می‌گیرند و ویژگی‌های زبان، پلیس را در رسیدن به مهم‌ترین هدف صنفی آن‌ها، که کشف حقیقت و گرفتن اقرار داوطلبانه و مکتوب از متهم‌ها است، یاری می‌رساند. در جلسه‌های بازجویی، پلیس تصویری از شرح واقعه را در ذهن

¹ interruption

² mastery

³ hedge

دارد و برای ترغیب متهم‌ها به اعتراف، اقدام به پرسش‌گری می‌کند. مقایسه جمله‌های نوشتاری بازجویان در برگه‌های بیانات متهم و جمله‌های شفاهی در تعامل‌های گفتاری آنان، نمایانگر آن است که نقش‌های نظارتی و اکتشافی برای اثبات قدرت و به‌دست آوردن اطلاعات در دو گونه نوشتاری و گفتاری به طور مشابه به کار رفته‌است، ولی در تعاملات گفتاری، بازجویان افزون بر بهره‌برداری از این دو نقش اجتماعی زبان، از نقش‌های تعاملی و اطلاع‌رسانی نیز برای برقراری تعامل با متهم‌ها، بیان اطلاعات، پند و اندرز آن‌ها، ابراز احساسات و پیشبرد اهداف قضایی/صنفي خود بهره برده‌اند.

مؤنی (Momeni, 2011) پس از بررسی منبع‌های مکتوب موجود، اقدام به گردآوری داده‌های شفاهی و مکتوب در پلیس آگاهی تهران بزرگ و دادسراها کرد. وی از این رهگذر، جرم‌های زبانی را شناسایی نمود و یک مورد از نمونه‌های جرم زبانی «کلاه‌برداری» را با در نظر گرفتن روش‌شناسی دو جنبه اصلی بررسی کرد؛ نخست، داده‌های موجود در این پژوهش را با تکیه بر اصول زبان‌شناختی تحلیل نمود و سپس، با توجه به قانون‌های موجود در ایران، جرم را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. وی با بررسی داده‌ها به این نتیجه رسید که بین ویژگی‌های زبانی قانونی در کلاه‌برداری سازگاری وجود دارد و ارائه یک الگوی مفهومی و تلفیق ویژگی‌های زبانی و قانونی می‌تواند در تبیین جرم مؤثر باشد. توهین، فحاشی، تهدید، کلاه‌برداری، تحریک احساسات و افکار، فریب، تبلیغ دروغ، سرقت ادبی و حتی جرم‌هایی مانند دزدی، آدم‌ربایی و قتل که پیش از اقدام عملی، آماده‌سازی‌های اولیه آن به وسیله زبان انجام می‌گیرد، همگی در دسته جرم‌های زبانی قرار می‌گیرند.

مؤنی و عزیز (Momeni & Azizi, 2015) معتقدند که در بازجویی، روابط قدرت حاکم است و افراد شرکت‌کننده در آن محیط، به رابطه قدرت و گفت‌وگو بالقوه آن آگاهی دارند. بازجو هر جا که بخواهد کلام متهم را قطع می‌کند ولی متهم نمی‌تواند کلام بازجو را قطع کند. مگر آنکه کلامش گسسته شود. بازجو با در دست داشتن مدارک و دلیل‌های پرونده و با طرح پرسش‌های فنی و تجزیه و تحلیل گفتاری سخنان مظنون‌ها و بهره‌گیری از ابزارهای زبان‌شناختی، سعی در دستیابی به این هدف‌ها را دارد: الف) کشف و گردآوری حقیقت‌ها؛ ب) از بین بردن اتهام یا اثبات بی‌گناهی؛ پ) به دست آوردن اطلاعات درست و قابل اعتماد؛ ت) شناسایی مجرم و هم‌دستان احتمالی وی؛ ث) گرفتن اقرار و اعتراف؛ ج) تکمیل دلایل پرونده.

موسوی و همکاران (Mousavi, Mousavi & Ramezani, 2011)، نقش زبان‌شناسی قضایی در رسیدن به عدالت قضایی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. نوع واژه‌ها و شیوه بیان اقرار از سوی شاهد یا تنظیم اسناد مختلف از سوی خواهان و خوانده، می‌تواند تابع عامل‌های

گوناه‌گونی مانند سن، جنس، نژاد، قومیت، میزان سواد و سلامت روحی و جسمی، هوش و فرهنگ اجتماعی باشد. در نتیجه، کشف مراد اصلی و حقیقی افراد مورد اشاره به وسیله قاضی را دشوار می‌سازد. در چنین مواردی است که نقش مهم زبان‌شناسی قضایی برای تحلیل محتوای کلامی و ساختار گفتمانی افراد درگیر در یک فرایند دادرسی به خوبی قابل درک است. آن‌ها افزون بر تبیین نقش دانش زبان‌شناسی قضایی در بهبود کیفیت دادرسی‌ها و انجام هر چه بیشتر عدالت، پیشنهادهایی برای ارائه به مراجع دارای صلاحیت، دادگاه‌ها و حقوق‌دان‌ها ایرانی برای ترکیب دانش حقوق و زبان‌شناسی ارائه داده‌اند.

رضویان و جلیلی دوآب (Razavian & Jalilidoab, 2017) با تحلیل زبان‌شناختی گفتار دو پرونده کلاه‌برداری موجود در دادگستری استان سمنان، گفتار این متهم‌ها را از مرحله‌های نخست بازجویی تا بازپرسی و دادگاه، از دیدگاه زبان‌شناسی حقوقی، توصیف و تبیین کردند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که داشتن دانش پیشینه و رعایت اصل ادب از ویژگی‌های اصلی و ثابت گفتار این گروه از محرم‌ها بوده است. یک شخص کلاه‌بردار برای انجام جرم خود، از زبان به عنوان یک ابزار بهره می‌گیرد. فردی که در انجام جرم از زبان بهره می‌گیرد، باید به آن گفتمان (ساخت‌های زبانی و ساخت‌های غیر زبانی) مسلط و یا حداقل آشنا باشد. البته نوع کلاه‌برداری در میزان بهره‌گیری از زبان مؤثر است و نمی‌توان به صورت مطلق، چارچوب ویژه‌ای برای این جرم به دست داد. متغیرهای فراوانی می‌تواند در وقوع این جرم نقش داشته باشد. فرد کلاه‌بردار با توجه به موقعیت فیزیکی و گفتمانی از میان ابزارهای گوناگون، شماری را بر می‌گزیند و به کار می‌گیرد. ویژگی‌های زبانی متهم‌های کلاه‌برداری یک پیوستار را تشکیل می‌دهد که متهم با توجه به بافت موقعیتی و پیچیدگی نوع کلاه‌برداری، طیف‌های متناسب با بافت موقعیت را از این پیوستار در راستای یک دفاع مطلوب برگزیده و به کار می‌برد. متهم‌های کلاه‌برداری از این دو اصل هم در مقابل مراجع قضایی و هم در مقابل قربانی‌های کلاه‌برداری بهره می‌گیرند. متغیرهای دیگری که متهم‌های کلاه‌برداری در دفاعیه‌های خود در دادگاه به کار می‌برند مشتمل اند بر ارجاعات مبهم، اصل توجیه کردن (ارجاع به یک واقعت برای پنهان سازی دروغ یا اصل برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی)، قطعیت (برای اطمینان بخشی و از بین رفتن دودلی مراجع قضایی) و عدم قطعیت در کلام (پاره‌گفته‌های احتیاط‌آمیز برای رعایت اصل کیفیت در کلام)، شیوه‌های مختلف متقاعدسازی در فرایند اقتناع اصول زیادی، نقش دارند. متهم این پرونده با توجیه‌هایی مبنی بر اینکه کار انجام گرفته از سوی ایشان کلاه‌برداری نبوده و فقط یک درخواست کمک از طرف متهم و یک حرکت انسان‌دوستانه و خیرخواهانه از طرف شاکی‌ها بوده است، سعی در از بین بردن اتهام و متقاعدسازی بازجوها و قاضی‌ها داشته است. متهم به سلب اراده از خود می‌پردازد (متهم با

اظهاراتی که بیان می‌دارد، خود را مسبب جرم نمی‌داند. وی از خود سلب اراده می‌کند و دیگران به ویژه مسئولان را سبب و عامل جرم می‌داند. متهم از عناصر فرهنگی مذهبی و بافت فرهنگ برای کم کردن مجازات بهره می‌گیرد (متهم با آگاهی از بافت فرهنگی و مذهبی جامعه خود و توجه به باورها و تعصب مردم به احکام و سنت کوشیده است با بیان واژگان و پاره گفته‌هایی مانند «الحمد لله»، «در این ماه مبارک طلب عفو دارم»، باورهای مخاطبان خود را در معرض عمل قرار دهد و با این شگرد، نگاه افراد را نسبت به خود تغییر دهد).

هفر (Heffer, 2005)، سه مرحله متفاوت در ساختار گفتمان روایتی در جلسه‌های محاکمه ارائه کرده است: یک-مرحله رسمی / تشریفاتی^۱ مانند انتخاب هیأت منصفه، احضاریه و سوگند خوردن شاهدان؛ دوم-مرحله مغایرت / تناقض^۲ که در مکالمه‌های آغازین، بحث و گفت‌وگوهای پایانی در جلسه‌ها و بازجویی از شاهدان دیده می‌شود. سوم-مرحله قضاوت و داوری^۳ که در جمع‌بندی و محکومیت متهمان به وسیله قضات به چشم می‌خورد.

از دید آریگو^۴ (Arrigo, 1996)، گفتمان قانون، زبان و قدرت با یکدیگر آمیخته می‌شوند. تحلیل گفتمان انتقادی در جرم‌شناسی نشان می‌دهد که چگونه گفتمان همانند یک حلقه یا پیونددهنده در خدمت نگرش‌ها و نظریه‌های جرم‌شناسی همچون کلاسیک، اثبات‌گرایی و پست‌مدرنیسم است. اگر محیط یک دادگاه را در نظر بگیریم، روابط قدرت و سلسله‌مراتبی حاکم در آن کاملاً آشکار است و البته بر چگونگی گفتمان شرکت‌کنندگان آن محیط بسیار تأثیر می‌گذارد. برای نمونه، یک وکیل مدافع نمی‌تواند در برابر رئیس دادگاه هر واژه یا جمله‌ای را تولید کند یا فقط حکمی که قاضی صادر می‌کند، قابلیت اجرا دارد نه حکم دیگران (Momeni, 2011).

به باور هیدون (Heydon, 2005)، مصاحبه پلیس در حیطه گفتمان نهادی قرار می‌گیرد و بیان می‌کند که آغاز و پایان چنین تعاملاتی ثابت و بدون تغییر است. بخش‌هایی مکالمه بر مبنای دلایل گوناگونی همچون جنسیت/نژاد و توقع‌های مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده متغیر است. کنش تأثیری خاص پلیس، کارگفتی اعلامی است که تغییری در جهان خارج و ابراز عقیده‌ای ناتمام را به دنبال دارد. دلیل اصلی تجزیه و تحلیل چنین الگوی کلامی ویژه‌ای، کنجکاوی در ماهیت اختیاری اعتراف است. نقش گفتمان نهادی پلیس بر مبنای ارتباطات قدرت بین شرکت‌کنندگان انجام می‌گیرد (Heydon, 2004).

¹ official/seremonial stage

² inconsistency/contradiction

³ arbitration

⁴ B.Arrigo

کلنارد و جانسون (Coulthard & Johnson, 2007) برای دستیابی به هدف‌های تحلیل گران گفتمان انتقادی و پیرامون آسیب‌شناسی عملکرد رفتاری-زبانی پلیس در نظام قضایی کشورهای غربی پژوهش‌هایی انجام دادند. آن‌ها از جنبه‌ی توجه به تأثیر بافت و عوامل اجتماعی بر زبان، نگاهی نقش‌گرا به گفتمان قضایی دارند. کلنارد و جانسون (همان) با بررسی چند رخداد بازجویی دریافتند که جلسه‌های بازجویی پلیس نوعی گفتمان صنفی-قضایی است که از جنبه‌ی هدف‌های قانونی بازجویان، از یک روال اجرایی مشخص پیروی می‌کند. هدف اصلی پلیس در جلسه‌های پرسش و پاسخ، گرفتن اقرار مکتوب از متهم‌ها است و این هدف، نوعی قصد و نیت اساسی به شمار می‌آید که در گفتمان صنفی پلیس نهفته است. کلنارد و جانسون (همان) به منظور تحلیل این نوع گفتمان، جلسه‌های بازجویی پلیس را بر مبنای عملکرد اجرایی بازجویان به سه مرحله تفکیک کرده‌اند که مبتنی بر تفهیم اتهام در مرحله آغازین، گردآوری و بررسی اطلاعات در مرحله میانی و نگارش گزارش بازجویی در مرحله پایانی است. سپس، ویژگی‌های هر مرحله را با نگاهی زبان‌شناختی، شناسایی و بررسی کرده‌اند. از دید آن‌ها، چگونگی کاربرد زبان بر مبنای قصد و نیت بازجویان از مرحله‌ای به مرحله‌ی دیگر تغییر می‌کند. پلیس به عنوان قدرت کنترل‌کننده روال برگزاری جلسه‌های بازجویی، در هر مرحله نوع کلام خود را براساس هدف صنفی‌اش تنظیم می‌کند و به صوت حرفه‌ای نقش زبان را تغییر می‌دهد. به این ترتیب، از عملکرد رفتاری-زبانی بازجویان می‌توان دریافت که فرایند اجرایی رخدادهای بازجویی بر چگونگی شکل‌گیری ساختار و محتوای گفتمان‌های هدفمند پلیس تأثیر می‌گذارد. از این رو، گفتمان پلیس-متهم قابل انتقال به مراحل اجرایی و سطوح محتوایی مشخص است و به منظور تحلیل و آسیب‌شناسی این نوع گفتمان باید شاخه‌های گفتمانی و ویژگی‌های زبانی را در هر مرحله از بازجویی شناسایی و بررسی کرد.

کاربرد قدرت^۱ در گفتمان قضات و متهمان نیز از جنبه‌ی زبان‌شناسی حقوقی در تفهیم اتهام قابل بررسی است (Norouzi, 2007). فرکلاف (Fairclough, 2010) قدرت را ناشی از موقعیت اجتماعی و سیاسی افراد می‌داند. بنابراین، نفوذ کلام یک قاضی می‌تواند از نفوذ کلام یک متهم بیشتر باشد (Habibi, 1995). از سویی، دیگر قضات از کارگفت‌های اعلامی^۲ بسیار بهره می‌گیرند زیرا در جایگاه قدرت هستند و متهم‌ها از جایگاه اجتماعی پائین‌تری در جامعه قرار دارند (Bagheri, 2014). در دادگاه‌های کیفری ممکن است متهم‌ها هنوز به نفوذ سیاسی اجتماعی و رانتی خود باور داشته باشند و در دادگاه از موضع قدرت سخن بگویند. برای نمونه، متهمی که به

¹ power

² declaratives

کلاه‌برداری متهم شده بود ادعا می‌کرد که با بلندمقام‌های اجتماعی رابطه خانوادگی و رفت‌وآمد دارد و او را کاملاً می‌شناسند. الگوهای گفتمان و قدرت در دادگاه‌های کیفری بر مبنای دیدگاه‌های مک منامین (McMenamin, 2002) و فرکلاف (Fairclough, 2010) در تحلیل سخنان قضات و متهم‌ها می‌تواند در چارچوبی علمی از جنبه زبان‌شناسی حقوقی بررسی گردد. مطالعه گفتمان این دو گروه و شناسایی نوع گفتمان آن‌ها به پژوهشگران کمک می‌کند تا تأثیر کلام و فراوانی آن را در این رشته شناسایی و راهبردهای مؤثری در تربیت قاضی‌ها به کار گیرند. همچنین، آگاهی از شگردهای کلامی و نوشتاری متهم‌ها در مستندات دادگاه‌های کیفری به قاضی‌ها کمک می‌کند شخصیت اجتماعی و حقوقی متهمان را شناسایی و تصمیم‌های بهتری در رساندن احکام بنماید.

کولتارد و جانسون (Coulthard & Johnson, 2010) گفتمان دادگاه کیفری را از جنبه کلامی خواه‌گفتاری یا نوشتاری یا غیر کلامی (ایما، اشارات و زبان بدن) در نتیجه دادرسی مؤثر می‌دانند. آن‌ها زبان‌شناسی حقوقی را راهی برای بررسی ارتباط قانون و زبان می‌دانند. این دو بر این باورند که زبان قانون با زبان‌های دیگر تفاوت دارد و این تفاوت در کاربرد زبان و سبک ویژه مبحث‌های حقوقی در بیان آشکار و روشن موضوع با شواهد قانونی است. این امر زبان‌شناسی حقوقی را پدید آورده تا ارتباط زبان و مبحث‌های حقوقی را بررسی و ارتباط آن‌ها را با قوانین اجتماعی مشخص کند. قوانین حقوقی در زبان‌شناسی زمانی نمایانده می‌شود که بدانیم همه مراحل دادرسی از تشکیل پرونده در حضور بازپرس تا روند دادرسی و اظهارات شهود همگی با عملکرد زبانی افراد سر و کار دارد و تأثیر گفتمان قاضی‌ها، وکیل‌ها و متهم‌ها در نتیجه رأی دادگاه کاملاً آشکار است. بنابراین هدف پژوهش حاضر، ارزیابی عملکرد قاضی‌ها و متهم‌ها در تغییر یا انحراف از الگوهای گفتمانی در دادگاه‌های کیفری بر مبنای چارچوب گفتمانی مک منامین (McMenamin, 2002) است. این چارچوب نظری در جدول زیر نمایش داده شده است.

جدول ۱: دسته بندی الگوهای کلامی در معیارهای گفتمانی دادگاه کیفری برگرفته از (McMenamin, 2002)

دسته	نوع الگو	مثال کلام معیار (قابل قبول)	مثال تغییر در کلام معیار (تا اندازه ای قابل)	مثال انحراف از کلام معیار (کمتر قابل قبول)
۰۱ معیار تجویزی گفتمان (چگونه گفتن)	الف) درست از جنبه دستوری	می خواهم بگویم.	می خوام بگم.	میگم ها!
	ب) از جنبه اجتماعی پذیرفتنی	لطفا ژتون تهیه کنید.	ژتون بگیر!	هی! ژتون!
۰۲ معیار توصیفی گفتمان (چطور گفتن)	الف) نوع گویش	سلام جواد خان! (تهرانی)	جواد سلام!	سام علیک! جواتی!
	ب) تنوع زبانی	دستشویی	توالت	مستراح
	ج) طبقه اجتماعی	مهدی خان! (طبقه بالا)	مهدی! (طبقه متوسط)	میتی! (طبقه پایین)
	د) گویش محلی	منزل (گویش شمال تهران)	خونه (گویش جنوب تهران)	حونه (گویش لری)
	ه) عامل موقعیتی	اتومیل دست دومم را	ماشین مدل پایینم را می خوام	لگنم را می خوام آب کنم!
۰۳ معیار آماری (فراوانی گفتمان)	الف) این کلام یا نوشتار تا چه تعدادی به کار می رود؟	صبح حضرت عالی بخیر! (۱۰٪)	صبح بخیر! (۸۰٪)	حال و احوال؟ (۱۰٪)
	ب) در چه مکان خاصی فراوانی دارد؟ (درصد تقریبی)	پرونده حقوقی در جریان است. (در دادگاه بین قاضی، وکیل یا نماینده دادستان) (۸۵٪)	مورد داریم (در خانه متهم) (۱۰٪)	مکافات داریم! (در میان زندانیان در سلول) (۵٪)

مک منامین (McMenamin, 2002) انحراف از معیارهای کلامی در دادگاه کیفری را در سه دسته گروه‌بندی می‌کند که مشتمل اند بر معیار تجویزی^۱ که دو مشخصه زبان شناسی دارند. یکی این است که گفتمان باید مورد قبول عامه مردم باشد و از جنبه دستوری درست^۲ باشد و دیگری اینکه از جنبه اجتماعی قابل قبول^۳ باشد. دسته دوم، الگوی توصیفی^۴ است و این نوع معیار چهار مشخصه دارد که مشتمل اند بر نوع گویش^۵، تنوع زبانی^۶، طبقه اجتماعی^۷، گویش محلی^۸ و عامل موقعیتی^۹. دسته سوم الگوی آماری^{۱۰} است که دو مشخصه دارد: یکی فراوانی الگوی کلامی است یعنی با چه فراوانی به کار برده می‌شود؟^{۱۱} برای نمونه، پاره گفته «دعوا» که به موضوع پرونده گفته می‌شود و دیگری اینکه در چه مکان خاصی فراوانی دارد؟^{۱۲} برای نمونه، پاره گفته «جناب قاضی» و کاربرد آن هنگامی به کار می‌آید که متهم در مقابل قاضی قرار می‌گیرد.

سه نوع دسته‌بندی زیرشاخه‌های الگوهای کلامی به سه زیر شاخه معیار کلام قابل قبول، معیار کلام تغییر یافته و انحراف از معیار کلام گروه‌بندی می‌شود. دو زیر شاخه نخست از جنبه زبان معیار و عامه مردم پذیرفتنی است ولی زیر شاخه سوم کمتر مورد قبول بوده و نوعی انحراف از زبان معیار انگاشته می‌شود. اگر گفتمان تا اندازه‌ای تغییر کند که مورد پذیرش توده جامعه قرار گیرد، تغییر در کلام معیار نامیده شده ولی اگر تغییر شدید بوده که بیشتر جامعه زبانی آن را نپذیرند و جنبه فردی یا گروهی پیدا کند، انحراف از کلام معیار انگاشته می‌شود. شناخت این الگوها در شناسایی نوع گفتمان و موقعیت فردی اجتماعی و قانونی قاضی و متهم بسیار مؤثر است.

از دید لوینسون (Levinson, 1983) هر نوع گفتمان (گفتاری/نوشتاری)، نیازمند هنجارها و قراردادهای اجتماعی گفتاری یا نوشتاری ویژه‌ای است. هایمز (Hymes, 1962)، «جامعه گفتاری» را معرفی کرده و آن را جامعه‌ای دانسته است که برای الگوها و معیارهای کلامی یک گونه زبانی قانون‌های مشترکی دارند. وی «ارتباط» کلامی را یک فرایند می‌داند که بر مبنای دانش زبانی گویشوران و توانایی آن‌ها در برقراری ارتباط با دیگران شکل می‌گیرد. لرا (Lara, 1979) بر

¹ prescriptive norm

² grammatically correct

³ socially appropriate

⁴ descriptive norm

⁵ dialect

⁶ choice of variety

⁷ social class

⁸ regional dialect

⁹ situational factor

¹⁰ quantitative norm

¹¹ How often forms are used?

¹² In a defined social context

این باور است که معیارهای گفتمانی کاربردی اجباری دارد و بر گویشوران تحمیل می‌شود. بنابراین، وی نمونه‌هایی از معیارهای گفتمانی را ارائه نموده‌است که به ترتیب زیر است: (۱) معیارهای گفتمانی پرستیژ که افراد در تلاش برای یافتن هویت کلامی خود هستند. برای نمونه، شیوه بیان قاضی و متهم که کاملاً متفاوت است. (۲) معیارهای گفتمانی برگرفته از قوانین و ضوابط اجتماعی که در روابط کلامی افراد تأثیرگذار است. برای نمونه، شیوه بیان پلیس که حالت حکم‌کننده دارد. (۳) معیارهای گفتمانی که مرتبط با کاربرد سبک سخن یا گونه‌های زبانی است. در این مورد، نقش شیوه بیان مؤثر است و در آن سبک‌های کلامی مانند رسمی یا غیر رسمی مورد نظر است. (۴) معیارهای گفتمانی گروهی که افراد گروه را از جنبه کلامی پیوند داده و آن‌ها را در یک طبقه اجتماعی قرار می‌دهد. برای نمونه، طبقه کارگر یا رانندگان کامیون که نوع کلام خاص خود را در تعامل‌های گفتاری به کار می‌گیرند. (۵) معیارهای گفتمانی منطقه‌ای مرتبط با ناحیه جغرافیایی در انتخاب نوع کلام مؤثر بوده و افراد جامعه را از جنبه کلام منطقه‌ای از منطقه‌های دیگر جدا می‌کند. برای نمونه، گویش کاشان که با گویش اصفهان تفاوت دارد. (۶) معیارهای گفتمانی بافتی (موضوع، هدف، شنونده، زمان، مکان) که سبب می‌شود گویشوران با در نظر گرفتن زمان و مکان یا موقعیت خاص خود در نوع بیان دقت نمایند تا از خطوط قرمز در محاوره سرپیچی نکنند. (۷) معیارهای گفتمانی قابل قبول اجتماعی که اشاره به اصول ادای کلام و احترام متقابل به دیگران در تعامل کلامی دارد. و (۸) معیارهای گفتمانی مرتبط با کاربرد درست دستور زبان و پرهیز از ابهام در بیان است. افزون بر این، در متون گفتاری ماهیت پرسش و پاسخ‌ها بر مبنای نوبت‌گیری در محاوره و رعایت صورت دستوری و محتوا متفاوت است. یعنی افراد بر اساس دانش زبانی خود قصد افراد دیگر را در مکالمه تجزیه و تحلیل کرده و پاسخ مناسب را ارائه می‌دهند (Coulthard & Johnson, 2007).

لیچ (Leech, 1983) و گرایس (Grice, 1975) و به دنبال آن‌ها ویدوسون (Widdowson, 1995)، صورت گفتار، محتوای کلام، انتخاب گونه کلام و چگونگی برجسته کردن اطلاعات در امر ارتباط را مهم دانسته‌اند. گفتمان افراد به شرایط فرهنگی، پرورشی و اجتماعی آن‌ها بستگی دارد و همواره الگوی گفتاری آن‌ها به صورت منظم با حضور یک شخص جدید در مکالمه ممکن است تغییر کند. اندیشه‌های انسانی تا هنگامی که ماهیت گفتمان محاوره‌ای نیافته‌اند، موضوعی فردی هستند (Bashiriyeh, 2000).

لویسون (Levinson, 1983) بر این باور است که هر عضو قضایی در سازمان متبوع خود هدف‌های حقوقی سازمان را اعمال می‌کند و نسبت به محدودیت‌های گفتمانی در واژه‌ها و

عبارت‌ها آگاه است. او جهت گیری خاصی نسبت به هدف‌ها، وظیفه‌ها و هویت خود دارد که از جنبه کاری به سازمان مربوط می‌شود. برای نمونه، هنگامی یک وکیل از یک شاهد به نفع موکل خود سؤال می‌پرسد، از موقعیت و جایگاه قدرتمند خود برای پشتیبانی از موکل خود در جهت مثبت بهره می‌گیرد (Fairclough, 2010).

انحراف در معیارهای گفتمان نوعی زبان پنهان مابین گروه‌های خاصی از جامعه مانند مجرمان است که آن را برای برقراری تعامل‌هایشان به وجود آورده‌اند، بنابراین انتظار می‌رود دارای واژگان خاصی باشد که پیر، شیطونک، تل زدن و موارد مشابه فقط بخشی از آن است. ابتدا قانون‌گیران این واژگان را ابداع می‌کنند زیرا نیاز به زبانی دارند که پشتیبان خواسته‌هایشان باشد و دوم کسانی هستند که برخلاف معیارهای گفتمان جامعه رفتار می‌کنند. از آن جاکه رعایت نکردن این معیارهای گفتمانی منجر به سرزنش و انگشت‌نما شدن می‌شوند، بنابراین، آن‌ها با ساختن این گونه زبانی بر آن‌ها نشان دهند متعلق به گروه ویژه‌ای هستند. دزدها، گداها، زندانی‌ها، معتادها و گروه‌هایی که به نوعی مقرراتی را زیر پا می‌گذارند این گروه‌های اجتماعی را ایجاد می‌کنند (Shamloo & Abdollahi, 2015).

گویشوران در دادگاه سعی دارند که موقعیت کلامی و معیارهای گفتمانی را رعایت کنند ولی اغلب، ناآگاهی آن‌ها از بافت کلامی دادگاه موجب تغییر یا انحراف در گفتمان معیار در دفاعیه‌های متهم و وکیل یا اظهارات نماینده دادستان و قاضی می‌گردد. بنابراین در این پژوهش برآنیم تا مکالمه‌های قاضی‌ها و متهم‌ها را در ۲۷ پرونده کیفری مانند قتل، دزدی، کلاهبرداری، درگیری، جعل امضا و تجاوز به عنف را بر اساس الگوهای گفتمانی در چارچوب مک‌منامین (McMenamin, 2002) و نشانگرهای قدرت در گفتمان از منظر فرکلاف (Fairclough, 2010) تحلیل و بررسی کند.

این پژوهش، گفتمان حقوقی در دادگاه‌های کیفری را تجزیه و تحلیل کرده و سخن‌های قاضی‌ها و متهم‌ها را از دیدگاه الگوهای گفتمانی مک‌منامین (McMenamin, 2002) در سه مقوله معیارهای تجویزی، توصیفی و آماری ارزیابی کرده‌است. هدف پژوهش حاضر، پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است: نخست اینکه، تا چه اندازه در پرونده‌های دادگاه‌های کیفری فراوانی کلام معیار، تغییر یا انحراف از معیارهای گفتمانی از جنبه الگوهای تجویزی، توصیفی و آماری یکسان است؟ دوم آنکه، کاربرد قدرت گفتمان بین قاضی‌ها و متهم‌ها تا چه اندازه متفاوت است؟

۳. روش پژوهش و گردآوری داده‌ها

۳.۱. داده‌ها

این پژوهش به صورت تحلیلی-توصیفی انجام شده‌است و داده‌های آن از ۲۷ فیلم کوتاه پنج دقیقه‌ای از میان ۵۴ پرونده کیفری از صدا و سیمای جمهوری اسلامی در برنامه ۲۰:۳۰ به صورت تصادفی منظم انتخاب و ضبط گردید. این فیلم‌های کوتاه بدون چهره قاضی یا متهمان بوده‌است و از روند طبیعی دادگاه‌های کیفری برخوردار بوده‌است. از آن جاکه ممکن است وجود تصویربرداری در جریان دادگاه اثرگذار باشد از دو کارشناس زبان‌شناسی درخواست شد که از بین کل فیلم‌های کوتاه، آن‌هایی را برگزینند که چهره افراد مشخص نباشد. همچنین اگر احساس سوگیری می‌شد فیلم مورد اشاره حذف و فیلم مناسب‌تر جایگزین می‌شد. به این صورت ۵۴ فیلم کوتاه انتخاب و به صورت تصادفی ۵۰ درصد آن‌ها در تجزیه و تحلیل به کار گرفته شد. سپس، مکالمه‌های قاضی‌ها و متهمان به صورت نوشتاری در آمد. نوشتاری کردن مکالمه‌های دادگاه به وسیله کارشناسان بالا دوباره بررسی و به وسیله ضریب همبستگی پیرسون اعتبارسنجی گردید که پایایی آن (۰/۸۵) به دست آمد. برای کشف معیارهای کلامی و انحراف از این معیارها در کلام قضات و متهمان، بر مبنای الگوی مک منامین (McMenamin, 2002) ارزیابی و دسته‌بندی گردید. پس از دسته‌بندی داده‌ها، فراوانی آن‌ها شمارش شده و در جدول داده‌ها قرار داده شد.

۳.۲. تحلیل داده‌ها

این بخش، به تجزیه و تحلیل داده‌های آماری بر اساس فراوانی رخداد معیارهای کلامی قاضی و متهم می‌پردازد. در جدول (۲) تحلیل داده‌های آماری بر مبنای فراوانی رخداد معیارهای کلامی قاضی‌ها و متهم‌ها نشان داده شده‌است.

جدول ۲: انحراف از معیارهای کلامی در گفتمان قضات و متهمان (واحد کلام جمله)

دسته	نوع معیار	کلام معیار (قابل قبول)		تغییر در کلام معیار (تا اندازه ای قابل قبول)		انحراف از کلام معیار (کمتر قابل قبول)	
		متهم	قاضی	متهم	قاضی	متهم	قاضی
۰۱ الگوی تجویزی گفتمان (چه گفتن)	الف) درست از جنبه دستوری	۲۵	۷۴	۲۴	۷۴	۳	۸
	ب) از جنبه اجتماعی پذیرفتنی	۶۰	۸۰	۱۲	۷۷	۵	۱۸
۰۲ الگوی توصیفی گفتمان (چگونه گفتن)	الف) نوع گویش	۱۱۰	۲۰	۸	۲۴	۰	۳
	ب) تنوع زبانی	۱۴	۷	۳	۶	۲	۱
	ج) طبقه اجتماعی	۱۵۰	۱۱۳	۳۴	۱۴۰	۹	۴
	د) گویش محلی	۱۷۰	۱۵۰	۴۷	۱۳۰	۳	۱۸
	ه) عامل موقعیتی	۱۱۵	۱۶۰	۸	۲۲	۱	۶
جمع		۶۴۴	۵۰۴	۱۳۶	۴۷۳	۲۳	۵۸
۰۳ الگوی آماری (فراوانی گفتمان)	الف) تا چه تعداد استفاده می شود؟ (درصد)	٪۷۶	٪۵۴	٪۲۱	٪۴۰	٪۳	٪۶
	ب) در چه مکان خاصی فراوانی دارد؟ (درصد از کلام که خارج از بافت موقعیتی دادگاه است.)	٪۹	٪۳۱	٪۱۱	٪۳۰	٪۲	٪۱
		کمتر	کمتر	بیشتر	بیشتر	کمتر	بیشتر

جدول (۲)، نشان می دهد که در جمله های متهم ها رعایت زبان معیار (٪۵۴)، تغییر در زبان معیار (٪۴۰) و انحراف از معیار (٪۶) بود. این در حالی است که در کلام قاضی ها، رعایت زبان معیار (٪۷۶)، تغییر در زبان معیار (٪۲۱) و انحراف از معیار (٪۳) انجام گرفته است. از جنبه رعایت الگوهای تجویزی، توصیفی و آماری درصد پای بندی به رعایت کلام قابل قبول در قضات بیشتر از

متهم دیده می‌شود. هر چند که متهمان با کاربرد زبان معیار یا نزدیک به آن سعی در حفظ کلام اجتماعی خود را دارند، ولی ۴۰ درصد تغییر در کلام دارند. فراوانی تغییر و انحراف از معیار آماری در متهم‌ها بیشتر از قاضی‌ها است. با توجه به اینکه در بافت موقعیتی دادگاه گفتمان آن‌ها انجام می‌پذیرد، جمله‌های متهم‌ها با قاضی‌ها در الگوهای تجویزی، توصیفی و آماری اختلاف نشان می‌دهد. تسلط قاضی‌ها بر دادگاه بیشتر از متهم است و وی تمایل به سمت رعایت زبان معیار دارد و با کاربرد زبان رسمی و یا نزدیک به آن قصد دارد که سطح اجتماعی خود را حفظ کند. بنابراین، نمونه‌ای از این شواهد گفتمانی برای عملکرد چارچوب گفتمانی مک منامین (MacMenamin, 2002) ارائه می‌گردد. پرونده‌ای کیفری بیانگر دزدیدن جواهرات در منزل مسکونی است که خدمتکار و باغبان منزل در مظان اتهام قرار گرفته‌اند. نشانگرهای تغییر و انحراف در معیارهای کلامی در گفتمان قاضی و متهمان به ترتیب در قاضی پائین‌ترین و در بین دو متهم بیشتر دیده می‌شود. اختلاف در به‌کارگیری معیارهای کلامی بین دو متهم جالب است زیرا خدمتکار الگوهای معیار کلامی را بیشتر از باغبان رعایت می‌کند.

قاضی: شما در روز سرقت جواهرات در منزل بودید؟

خدمتکار: بله، بنده در آشپزخانه کار می‌کردم. (رعایت الگوی کلامی معیار از جنبه تجویزی با پاسخ به سوال بله-خیر و رعایت معیار کلامی موقعیتی یعنی کار در آشپزخانه. فراوانی نوع پاسخ و تکمیل آن با جمله دیگر. منظور متهم روشن ساختن دسترس پذیر نبودن به محل سرقت یعنی اتفاق خواب است).

باغبان: نمیدونم چرا اینطوریه. ۵ سال من باغبونم تو این خونه. (انحراف از معیار کلامی تجویزی یعنی عدم پاسخ بله-خیر). تغییر در کلام معیار با ارائه جمله‌های نادرستی (جابه‌جایی فاعل). از جنبه عدم رعایت معیارهای گفتمانی توصیفی (نوع گویش، تنوع زبانی و طبقه اجتماعی) نشان می‌دهد باغبان بیشتر دچار تغییر و انحراف در نشانگرهای معیار گفتمانی شده است و اختلاف ایشان با خدمتکار از جنبه الگوی آماری یا فراوانی گفتمان معنادار است. این اختلاف در طبقه اجتماعی و گویش مضمون‌ها بسیار آشکار است. بنابراین، این امر در تصمیم‌گیری قاضی ممکن است مؤثر باشد.

اختلاف سطح معناداری بین جمله‌های گفته‌شده قاضی‌ها و متهمان به وسیله آمار استنباطی مورد بررسی قرار گرفت. داده‌ها پس از قرار گرفتن در نرم افزار اس.پی.اس.اس^۱ (نسخه ۱۷) و اندازه‌گیری درجه طبیعی بودن پراکندگی نمره‌ها در جدول کولوموگروف-سمیرنوف به وسیله

^۱ SPSS

مقایسه میانگین دو دسته از معیارهای کلامی قاضی‌ها و متهم‌ها در آمار پارامتریک تی مستقل مقایسه گردید. تأثیر ضریب تفاوت معناداری بین دو دسته از معیارهای زبانی به وسیله واحد اندازه‌گیری کوهنزدی^۱ گرفته شد. یافته‌ها در جدول (۳) نشان داده شده‌است.

جدول ۳: گفتمان قاضی و متهم در الگوهای کلامی

موارد	گروه	تعداد ملاک‌ها	میانگین	انحراف از کلام معیار	خطای معیار	T	df	تفاوت معناداری (P)	تأثیر ضریب تفاوت (Cohen's d)
کلام معیار	قاضی	۷	۸۶/۲۸	۵۹/۲۶	۲۲/۴۰	۰/۱۷۹	۱۲	۰/۸۶۱	۰/۲۵
	متهم	۷	۹۲/۰۰	۶۰/۴۱	۲۲/۸۳				
تغییر در کلام معیار	قاضی	۷	۱۹/۴۲	۱۶/۲۲	۶/۱۳	۲/۲۸۷	۱۲	۰/۰۴۱	۱/۲۲
	متهم	۷	۶۷/۵۷	۵۳/۲۹	۲۰/۱۴				
انحراف در کلام معیار	قاضی	۷	۳/۲۸	۲/۹۸	۱/۱۲	۱/۷۴۰	۱۲	۰/۱۰۷	۰/۹۳
	متهم	۷	۶/۲۸	۶/۹۹	۲/۶۴				

همان گونه که جدول (۳) نشان می‌دهد، آمار مربوط به انواع معیارهای کلامی برای دو سوی گفتمان تفاوت معناداری از جنبه تغییر در کلام معیار دارد ولی در رعایت کلام معیار و انحراف از آن تفاوت معناداری مشاهده نگردید ($p < ۰/۰۵$). تعداد جمله‌های متهمان ۳۲۵۰ و قضات ۱۴۰۰ جمله است. معیار ارزیابی بین دو گروه به نسبت درصد در تعداد کل جمله‌ها است. در گفتمان قاضی‌ها، نوع جمله‌های کاربردی اشاره به موقعیت اجتماعی آن‌ها و توجه ایشان به بافت موقعیتی و محیط دادگاه دارد. در واقع، رعایت الگوهای تجویزی، توصیفی و آماری در گفتمان آن‌ها نسبت به متهم‌ها بیشتر رعایت شده‌است.

۴. بحث

یافته‌های این پژوهش نشان داد که گفتمان مناسب در موقعیت دادگاه از سوی گوینده نوعی رعایت الگوهای تجویزی، توصیفی و آماری در گفتمان برای ایجاد تأثیر در شنونده است. این امر منجر به قدرت اجتماعی در فرد یا گروه می‌گردد زیرا در این صورت گوینده کسب هویت کرده و جایگاه حقوقی خود را بر اساس روابط سلسله مراتبی در دادگاه به دست می‌آورد. این یافته‌ها با

^۱ Cohen d

پژوهش‌های مدرسی (Modarresi, 1989) و بشیری (Bashiriyeh, 2000) همخوانی دارد. زیرا قاضی‌ها بهتر از متهم از قوانین آگاهی دارند و در دادگاه‌ها تغییر و انحراف کلامی کمتری از خود نشان داده یا حداقل سعی در نشان دادن عدم تغییر یا انحراف در معیارهای کلامی دارند. آن‌ها تجربه خود را در گفتمان با پشتوانه قانونی به کار گرفته و کلام آن‌ها از تأثیرگذاری بیشتری نسبت به متهمان برخوردار است. روشن شد که قاضی‌ها بیشتر از زبان رسمی بهره می‌گیرند زیرا به آن‌ها کنترل و موقعیت قانونی می‌دهد. این یافته‌ها با پژوهش‌های شاملو و عبداللهی (Shamloo & Abdollahi, 2015) همخوانی دارد که بیان می‌کنند قاضی‌ها در طبقه و جایگاه بالاتری نسبت به سایر شرکت‌کننده‌ها در دادگاه از قبیل نماینده دادستان، بازپرس‌ها، وکیل‌ها، مأموران و متهم‌ها قرار می‌دهد.

در بررسی تفاوت به کارگیری الگوهای گفتمانی از جنبه معیارهای تجویزی، توصیفی و آماری بین قاضی‌ها و متهم‌ها از دیدگاه مک منامین (McMenamin, 2002)، جمله‌های آن‌ها مورد تحلیل قرار گرفت که به سه نمونه آن برای پرهیز از طولانی شدن بحث، اشاره می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان داد که قاضی‌ها و متهم‌ها در دو مورد بهره‌گیری از کلام معیار و انحراف از آن تفاوت معناداری نداشتند ولی در تغییر کلام معیار تفاوت معناداری داشتند. ولی قاضی‌ها کمتر از متهم‌ها دچار تغییر در کلام معیار شده بودند زیرا کلام قاضی بیشتر شامل موارد مشخص و قانونی است و به نوعی جمله‌های حقوقی معین و شاید کلیشه‌ای باشد. همانند این جمله «خانم شهلا جاهد شما متهم به قتل آقای ناصر محمدخانی هستید و علیه شما کیفرخواستی توسط اولیای دم صادر شده در این خصوص از خود چه دفاعی دارید؟». متهم «او را نکشتم، دوشش داشتم». انحراف از الگوهای تجویزی و توصیفی کاملاً دیده می‌شود. جمله قاضی نمونه‌ای از کلام معیار بوده و سبک سخن رسمی است و گویش فردی، محلی یا اجتماعی از سوی قاضی در آن وجود ندارد. کلام بسیار روشن و تفهیم اتهام کاملاً انجام پذیرفته و متهم، گریزی از پاسخ آشکار ندارد. به همین سبب است که در الگوهای گفتمانی بالا متهم بیشتر از قاضی دچار تغییر و انحراف شده است. این نکته را نباید از نظر دور داشت که شهلا جاهد جایگاه اجتماعی و سیاسی خاصی نداشته و سبک غیر رسمی در کلام خود دارد. با این وجود، وی در جایگاه متهم کلام معیار کمتر و تغییر و انحراف در کلام معیار را به صورت معناداری نسبت به قاضی پرونده انجام داده است. برای نمونه، در مکالمه زیر قاتل زنی است که با کمک دو مرد دیگر همسر خود را به قتل رسانده و جسد او را در حومه تهران به آتش کشیده است. تجزیه و تحلیل کلام قاضی و متهم نشانگرهای الگوهای گفتمانی را نشان می‌دهد.

قاضی: خانم ا. ر شما شب حادثه چگونه همسر خود را بی هوش کردید؟ (رعایت کلام معیار با سبک رسمی- اعمال قدرت پرسش کردن که متهم فاقد این است. نقش قاضی در مقام پرسش و متهم در نقش پاسخگو و فاقد قدرت)

متهم: بش شربت آب لیمو سمی دادوم. (تغییر در کلام معیار با کاربرد واژه‌هایی مثل «بش» به «او» که با الگوی تجویزی یا دستوری قابل بررسی است زیرا به او ادغام شده است. گویش محلی «دادوم» به جای «دادم» که با الگوی توصیفی قابل بررسی است.)

قاضی: سم چی؟ تغییر در کلام معیار زیرا این جمله باید باشد «چه سمی در شربت آبلیموی ایشان ریختید؟» ولی قاضی کلام معیار را تغییر می دهد با این وجود، برای متهم قابل فهم است. متهم: «نیدونم چه کوفتی بید. اکبر (هم دست زن) دادوم». (متهم انحراف از الگوی تجویزی و توصیفی دارد. از جنبه فراوانی آماری نیز انحراف دارد زیرا «کوفتی» اشاره به سم دارد و فراوانی کمی در بین انبوه مردم دارد یعنی تعداد اندکی در جامعه سم را کوفت می نامند. قاضی: «درست جواب بده!» (با تحکم و صدای بلند)

در این مکالمه، عدم انحراف و تغییر در کلام قاضی ناشی از این امر بوده است که سطوح ارتباطی میان قاضی و متهم در دادگاه شامل ارتباط درون فردی و ارتباط بینافردی قاضی می گردد. قاضی از طریق رعایت کلام معیار در تلاش است اصول دادرسی را رعایت کند. متهم، بیشتر از قاضی تغییر و انحراف در کلام معیار را نشان می دهد. متهم انحراف و تغییر در کلام را با واژگانی همانند «بش» و «کوفتی» بیان می کند.

در گفتمان قاضی و متهم، معیارهای تجویزی، توصیفی و آماری با در نظر گرفتن فاصله اجتماعی بر مبنای جایگاه اجتماعی رسمیت می یابد. برای نمونه، افراد با وضعیت و جایگاه اجتماعی بالا از کلام معیار بیشتری بهره می گیرند. موقعیت اجتماعی منبعی برای قدرت اجتماعی و سیاسی است و ارزش های فردی، اعتقادی، اخلاقی و فرهنگی در جامعه را به صورت کلام معیار بازنمایی می کنند. این نتیجه گیری با پژوهش های کولتارد و همکاران (Coulthard et al., 2017) هماهنگ است که بیان می دارند سطح اجتماعی موقعیت های فردی و سیاسی در گفتمان بین فردی قابل بازنمایی است و در کلام و انتخاب واژگان پیشینه فرهنگی و اجتماعی فرد را نشان می دهد. این بازنمایی های کلامی و غیر کلامی در محیط دادگاه و عملکرد قاضی و متهم قابل بررسی و تجزیه و تحلیل است.

در ارزیابی تفاوت قضات و متهمان از جنبه کاربرد قدرت در پرونده های کیفری، یافته های پژوهش حاضر نشان داد که کاربرد قدرت کلام بستگی به رعایت الگوهای گفتمانی و معیارهای

کلامی استوار و منطقی دارد و این امر در نفوذ کلام و قدرت تفهیم و تفاهم تأثیرگذار است. این امر با پژوهش‌های هفر (Heffer, 2005) همخوانی دارد که موفقیت یا عدم موفقیت گفتمان حقوقی در میان قضات، وکیل‌ها، متهم‌ها و هیأت منصفه بستگی بسیاری به کاربرد موثر کلام و انتخاب ساختار و واژگان مناسب با شأن دادگاه و نوع پرونده کیفری دارد. وی با بررسی بیش از ۱۰۰ پرونده کیفری در دادگاه به این نتیجه رسید که قدرت نفوذ کلام و تجزیه و تحلیل گفتمان شهود می‌تواند به کشف موضوع و رضایت هیأت منصفه منجر شود و آن‌ها را تشویق به اعلام رأی مناسب گرداند. او در نهایت زبان‌شناسی را در خدمت دادگاه کیفری و ابزار مؤثری در کشف جرم می‌شناسد. بنابراین نفوذ کلام قاضی و متهم از جنبه اعمال قدرت از دید فرکلاف (Fairclough, 2010) نشان می‌دهد که قاضی‌ها در این پژوهش موفق‌تر بوده‌اند و تا اندازه‌ای سرچشمه آن داشتن قدرت قانونی بوده‌است. در نمونه بالا، دقیقاً قدرت کلام قاضی در پرسش‌گری مشاهده می‌شود. همچنین، او در جمله «درست جواب بده!» با صدای بلند (لحن) این امر را به خوبی نشان می‌دهد. یافته‌های این پژوهش با بررسی‌های السان و منوچهری (Elsan & Manouchehri, 2018) و نوروزی (Nowrouzi, 2007) همخوانی دارد زیرا آن‌ها معتقدند در این نوع گفتمان‌ها متهم می‌خواهد خود را به فرد یا گروه دیگری (مانند اکبر) پیوند زند تا به گناه خود قدرت جمعی دهد. در واقع متهم در نمونه بالا، احساس ایمنی و قدرت بیشتری در پیوند با متهم دیگر می‌کند و سعی در یافتن نوعی زبان گروهی^۱ است تا مابین افراد از مصونیت و امنیت بیشتری برخوردار باشد.

اگر نتوانیم یا نخواهیم منظور خود را آشکارا و با قدرت بیان نمایم فرد مقابل به اشتباه می‌افتد و از حدس و گمان بهره می‌جوید و از واقعیت دور می‌گردد. ابهام در تعیین میزان قدرت اجتماعی متهم مقابل، سرمنشأ بسیاری از گرفتاری‌ها و مشکلات در ارتباطات فردی است. دانش زبانی و رابطه آن با طبقه اجتماعی در مکالمه‌های حقوقی بسیار اهمیت دارد و تنظیم این دو منجر به ایجاد قدرت در نفوذ کلام معیار می‌گردد.

در مورد هر دو پرسش پژوهش باید گفت که هم قاضی‌ها و هم متهم‌ها از الگوهای گفتمانی توصیفی، تجویزی و آماری به صورت متفاوتی بهره گرفته‌اند و میزان انحراف آن‌ها از کلام معیار نیز با یک‌دیگر تفاوت دارد. در این دادگاه‌ها، در گفتمان قاضی‌ها و متهم‌ها، انحراف از الگوهای گفتمانی در سطح معناداری مشاهده نشد. قاضی‌ها با حفظ موقعیت اجتماعی خود قوانین و هنجارهای اجتماعی را رعایت کرده‌اند. این در حالی است که متهم‌ها در بخش‌هایی از سخنان

¹ language community/group

خود از این الگوها سرپیچی کرده‌اند.

۵. نتیجه‌گیری

استفاده از الگوهای گفتمانی مک منامین (McMenamin, 2002) می‌تواند در تجزیه و تحلیل قدرت کلام قاضی‌ها و متهم‌ها از دیدگاه زبان‌شناسی حقوقی کارساز بوده و موفقیت گفتمان را در جریان دادرسی در دادگاه‌های کیفری نشان دهد. یافته‌ها نشان داد که قضات الگوهای گفتمانی سه‌گانه تجویزی، توصیفی و آماری را بیشتر از متهم‌ها رعایت کرده‌اند. از جنبه الگوهای آماری، قاضی‌ها در دادگاه موفق عمل کرده و درصد مناسبی از معیارهای گفتمانی را رعایت کرده‌اند و فقط دو درصد کمتر از اندازه معیار انحراف داشته‌اند. ولی متهم‌ها بیشتر از قاضی‌ها در تغییر الگوهای معیار انحراف داشته‌اند اما آن اندازه نبوده که تفاوت معناداری بین دو گروه ایجاد کند. اختلاف در تغییر کلام معیار در قاضی‌ها بسیار کمتر از متهم‌ها مشاهده شد و همین امر سبب شده‌است تا اختلاف بین آن دو گروه در سطح معناداری باشد. این تغییر در گفتار معیار باید تا اندازه‌ای قابل توجیه باشد زیرا قاضی با تسلط و کنترل دادگاه از اصول حقوقی و قانونی بهره‌جسته و در اندازه کلام معیار تغییرات بسیار کمی داشته‌است ولی متهم به دلیل مورد خطاب گرفتن تلاش کرده‌است مخاطبین بیشتری مانند رسانه‌ها و افراد حاضر در دادگاه و حتی عوام را که دادرسی را از رسانه‌ها دنبال می‌کنند تحت تأثیر قرار دهد.

هر چند این پژوهش، مقدمه‌ای در به‌کارگیری الگوهای گفتمانی و معیارهای کلامی در چارچوب زبان‌شناسی حقوقی مک منامین (McMenamin, 2002) و مقوله قدرت در نظریه گفتمان انتقادی فرکلاف (Fairclough, 2010) است، ولی شاید تا اندازه‌ای توانسته باشد گفتمان دادگاه را از جنبه کمی و کیفی تجزیه و تحلیل کند. پژوهش‌های زبان‌شناسی حقوقی هنوز در حال پیشرفت‌اند و در کشور ما بسیار نو به شمار می‌آیند (Momeni & Azizi, 2015). بنابراین، پژوهش‌های بسیاری لازم است تا الگوهای ارزیابی گفتمانی دیگر عوامل دادگاه مانند نمایندگان دادستان و وکیل‌ها را نیز در اندازه گسترده‌تری انجام داد. محدودیت این پژوهش در بررسی کامل فایل‌های تصویری دادگاه‌ها بوده‌است که به دلیل‌های قانونی یا محرمانه بودن رویه دادرسی کاملاً ضبط نشده بود. بنابراین، فقط به فیلم‌های کوتاه از قسمت‌هایی از دادرسی بسنده شد که در شبکه‌های اجتماعی قابل دسترس بودند. گفتنی است که این محدودیت در همه دادگاه‌ها دیده می‌شود و ضبط تصویری رویه کامل یک دادگاه برای تجزیه و تحلیل داده‌ها کاری دشوار بوده و از توان پژوهشگران این مقاله خارج بود. در پژوهش‌های آینده می‌توان با چارچوب الگوهای گفتمانی مک منامین (McMenamin, 2002) در مقوله‌های تشخیص هویت نوشتاری و گفتاری مظنون‌ها

در دادگاه‌های کیفری پرداخت. پژوهش‌هایی مانند شناسایی هویت مظنون‌ها از طریق مشخصه‌های ساختاری آواها (آواشناسی و واج‌شناسی)، واژه‌شناسی، نحو و معناشناسی با کمک فناوری‌های رایانه‌ای و اسکنرهای قوی می‌توان انجام داد تا به کشف جرم کمک نماید. این پژوهش‌ها به کارگزاران قانون و پزشکان قانونی در دادگستری استان‌ها کمک می‌کند تا با رعایت گفتمان کلامی با نقاط ضعف و قوت عوامل دادگاه آشنا شوند. این یافته‌ها به صورت پروژه کلاسی در تربیت موثرتر قاضی‌ها، نمایندگان دادستان و وکیل‌ها کاربرد دارد. زبان‌شناسی قضایی در حال یافتن جایگاه خویش در محکمه‌های کشور بوده و از هنگام آغاز تشکیل پرونده تا پایان دادرسی و صدور حکم می‌تواند کارساز باشد و در کنار کارگزاران قضایی در کشف جرم ابزاری کاربردی انگاشته شود.

فهرست منابع

- افشار، ترنم (۱۳۸۷). «کاربرد زبان‌شناسی قانونی در تحقیقات جنایی». کارآگاه. دوره ۲. شماره ۳. صص ۶-۱۶.
- السان، مصطفی و محمد رضا منوچهری (۱۳۹۷). «آیین کشف و ابراز دلیل در فضای مجازی». پژوهشنامه حقوق کیفری. سال ۹. شماره ۲. شماره پیاپی ۱۸. صص ۳۰-۳۷.
- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۹۱). *زبان‌شناسی حقوقی (نظری و کاربردی)*. چ ۲. تهران: نشر علم.
- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۹۲). «نقش دانش زبانی و زبان قدرت در کنترل و طبقه‌بندی و مدیریت اطلاعات در زبان‌شناسی حقوقی». مجموعه مقالات نخستین همایش ملی زبان‌شناسی حقوقی: تحلیل گفتمان حقوقی. به کوشش فردوس آقاگل زاده. تهران: نشر نویسه پارس. صص ۱۳-۳۴.
- باقری، فریبرز (۱۳۹۳). «مفهوم شناسی و کارکردهای هنجار». *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*. سال ۲. شماره ۳. صص ۵۱-۶۹.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹). *درآمدی بر جامعه‌شناسی تجدد*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- حبیبی، حسن (۱۳۷۴). «زبان حقوقی». *نامه فرهنگستان*. سال ۱. شماره ۱. صص ۱۳-۳۷.
- رضویان، حسین و مریم جلیلی دوآب (۱۳۹۶). «تحلیل ویژگی‌های زبانی افراد کلاهبردار: مطالعه‌ی موردی استان سمنان». *زبان و زبان‌شناسی*. دوره ۱۳. شماره ۲۶. صص ۱۴۱-۱۷۱.
- شاملو، باقر و افشین عبدالمهی (۱۳۹۴). «دستاوردهای مدیریتی جرم‌شناسی در آیین دادرسی کیفری». *پژوهشنامه حقوق کیفری*. سال ۶. شماره ۲. صص ۹۹-۱۲۸.
- صبری، مژگان، اعظم استاجی و محمود الیاسی (۱۳۹۷). «تحلیل گفتمان پلیس - متهم در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی حقوقی». *زبان‌شناسی اجتماعی*. دوره ۲. شماره ۱. صص ۹۹-۱۰۹.
- محسنی، حسن و همایون رضایی نژاد (۱۳۹۱). «دادگستری و پیشرفت فن آوری اطلاعات و ارتباطات».

فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء^(س)، سال چهاردهم، شماره ۴۵، زمستان ۱۴۰۱ / ۵۷

مطالعات حقوقی. دوره ۴. شماره ۲. صص ۱۱۷-۱۴۲.

مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه شناسی زبان*. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
موسوی، فضل الله، مهدی موسوی و احمد رضوانی (۱۳۹۰). «نقش زبان شناسی قضایی در تحقق عدالت قضایی». *حقوق تطبیقی*. دوره ۷. شماره ۲. صص ۳-۲۴.
مومنی، نگار و سیروس عزیززی (۱۳۹۴). «نقش تغییر موضوع و نقض اصول گرایس توسط متهم در بازجویی‌ها: مطالعه موردی در آگاهی تهران بزرگ». *زبان پژوهی*. شماره ۷. دوره ۱۶. صص ۱۵۹-۱۷۹.

مؤمنی، نگار (۱۳۹۰). *تحلیل زبان‌شناختی جرایم زبانی در جامعه فارسی زبان ایران: رویکرد زبان‌شناسی حقوقی*. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.

نوروزی، نادر (۱۳۸۶). «تفهیم اتهام در مقررات کیفری ایران». *دانش انتظامی*. سال ۹. شماره ۳. صص ۱۶۸-۱۷۹.

وایت، راب و فیونا هینز (۱۳۹۲). *جرم و جرم شناسی*. متن درسی نظریه های جرم و کجروی. ترجمه علی سلیمی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

References

- Afshar, T. (2008). Application of legal linguistics in criminal investigations, *Kragah*, 2 (3), 6-16 [In Persian]
- Aghagolzadeh, F. (2012). *Legal linguistics (theoretical and applied)*. 2nd edition. Tehran: Alam Publishing [In Persian]
- Aghagolzadeh, F. (2013). *The role of language knowledge and power language in controlling, classifying, and managing information in legal linguistics*. In F. Aghagolzadeh (Ed.), *Proceedings of the First National Conference on Legal Linguistics, Legal Discourse Analysis* (pp. 13-34). Tehran: Persian Publishing [In Persian].
- Arrigo, B. (1996). *The contours of psychiatric justice: A postmodern critique of mental illness. Criminal Insanity and the Law*. New York: Garland Publishing.
- Bagheri, F. (2014). Conceptual study and norm functions. *Biannual Journal of Islamic Perspective on Educational Science*, 2 (3), 51-69. [In Persian]
- Bashiriyeh, H. (2000). *An introduction to the sociology of modernity*. Qom: Qom Seminary Islamic Propaganda Office. [In Persian]
- Coulthard, M., & Johnson, A. (2007). *An introduction to forensic linguistics: Language in evidence*. London and New York: Routledge.
- Coulthard, M., & Johnson, A. (2010). *The Routledge handbook of forensic linguistics*. UK: Routledge Publication.
- Coulthard, M., Johnson, A., & Wright, D. (2017). *An introduction to forensic linguistics: Language in evidence*. UK: Routledge Publication.
- Elsan, E., & Manouchehri, M. R. (2018). The procedure of discovery and provide of evidence in cyberspace. *Criminal Law Research*, 2(18), 30-37. [In Persian]
- Fairclough, N. (1992). *Critical language awareness*. London: Longman.
- Fairclough, N. (2010). *Critical discourse analysis: The Critical Study of*

- Language*. 1st edition. London: Routledge.
- Gibbons, J. (2003). *Forensic linguistics: An introduction to language in the justice system*. Cambridge: Blackwell.
- Grice, H.P. (1975). Logic and conversation. In Peter Cole and Jerry Morgan (Eds.), *Syntax and semantics. Vol.3: Speech acts* (pp.43-58). New York: Academic Press.
- Groot, G.R. (2003). *Language and law*. The Netherlands: Masstricht University Press.
- Habibi, Hassan (1995). Legal language, *Journal of the Academy*, 1(1), 13-37. [In Persian]
- Hale, S. B. (2004). *The discourse of court interpreting*. Amsterdam: John Benjamins.
- Heffer, C. (2005). *The language of jury trial: A corpus-aided analysis of legal-lay discourse*. Basingstoke/New York: Palgrave Macmillan.
- Heydon, G. (2004). Establishing the structure of police evidentiary interviews with suspects. *The International Journal of Speech, Language and the Law*, 11 (1), 28-49.
- Heydon, G. (2005). *The language of police interviewing: A critical analysis*. Hampshire: Palgrave Macmillan.
- Hymes, D. (1962). The ethnography of speaking. In T. Gladwin and W. C. Sturdevant (Eds.), *Anthropology and human behavior* (pp.15-23). The Hague: Mouton de Gruyer.
- Lara, L.F. (1979). *El concepto de norma en linguística*. Mexico: El Colegio de Mexico.
- Leech, G. (1983). *Principles of pragmatics*. London: Longman.
- Levinson, S. (1983). *Pragmatics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- McMenamin, G. (2002). *Forensic linguistics: Advances in forensic stylistics*. London: CRC Press.
- Modarresi, Y. (1989). *An introduction to sociology of language*. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research. [In Persian]
- Mohseni, H., & Rezaiezhad, H. (2012). Justice and ICT progress. *Journal of Legal Studies*, 4 (2), 117-142 [In Persian].
- Momeni, N. (2011). *Linguistic analysis of language crimes in the Persian-speaking community of Iran Approach to legal linguistics*. PhD dissertation, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. [In Persian]
- Momeni, N., & Azizi, S. (2015). Role of topic shift and violence of Grice principles in interrogation: Forensic linguistics. *Journal of Language Research*, 7(16), 159-179. [In Persian]
- Mousavi, F., Mousavi, M., & Ramezani, A. (2011). The role of judicial linguistics in the realization of judicial justice, *Journal of Comparative Law*, 7 (2), 3- 24. [In Persian]
- Nowrouzi, N. (2007). Understanding the charge in Iran's criminal regulations, *Law Enforcement Quarterly*, 9 (3), 168 179. [In Persian]
- Razavian, H., & Jalilidoab, M.(2017). Analysis of linguistic features of swindler: Case study of Semnan Province, *language and Linguistics Journal*, 13 (26), 133-163. [In Persian]
- Sabri, M., Estaji, A., & Eliassy, M. (2018). Analysis of the police-accused discourse in the field of legal social linguistics, *Journal of Social Linguistics*, 2(1), 99 109. [In Persian]

- Shamloo, B., & Abdollahi, A. (2015). Results of criminology based-management in criminal procedure. *Journal of Criminal Law Research*, 6 (2), 99-128. [In Persian]
- van Dijk, T. A. (1993). Principles of critical discourse analysis. *Discourse and Society*, 4(2), 249-283.
- White, R., & Hines, F. (2013). *Criminology and criminology. Textbook of theories of crime and perversion*. (Ali Salimi, Trans.) Qom: Seminary and University Research Institute [In Persian].
- Widdowson, H. G. (1995). Discourse analysis: A critical view. *Language and Literature*, 4(3), 157-172.



© 2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).